

بررسی تبدیل واکه /e/ به /i/ بر اثر همگونی پسرو با واکه /i/ و تبدیل واکه /e/ به /u/ بر اثر همگونی پسرو با واکه /u/ در افعال مضارع و امر مبتدا به /be/ در لهجه آبادانی در چارچوب نظریه بهینگی

* الخاص ویسی

** فاطمه دریس

چکیده

لهجه خوزستانی یا جنوبی که به لهجه آبادانی معروف است، یکی از لهجه های زبان فارسی است که کم تر از دیدگاه علمی و زبانشناختی به آن پرداخته شده است. این پژوهش در نظر دارد تا با روش میدانی و در قالب چارچوب بهینگی و با بهره گیری از محدودیت هایی که ناظر بر این انگاره می باشند، به توضیح و تبیین چگونگی تبدیل واکه /e/ به /i/ در نتیجه همگونی پسرو با واکه ی پیشین /i/ و تبدیل /e/ به /u/ در اثر همگونی پسرو با واکه پسین /u/، در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ در این لهجه پردازد. این تغییرات واجی در برخی از موقعیت ها رخ نمی دهند. محدودیت های وضع شده در نظریه بهینگی برآند تا دلیل عدم رخداد همیشگی این تغییرات را توجیه نمایند. یافته های این پژوهش نشان می دهند که اولین همخوان بعد از /be/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/، یعنی همخوان آغازین هجای دوم، در همگونی یا عدم همگونی واکه /e/ با واکه پیشین یا پسین بعد از خود نقشی تعیین کننده دارد.

کلیدواژه ها: بهینگی، همگونی پسرو، لهجه آبادانی، محدودیت پایایی، محدودیت نشان داری

* استادیار دانشگاه پیام نور، واحد اهواز

** دانشجوی دکتری زبانشناسی همگانی، دانشگاه علوم و تحقیقات خوزستان

۱. مقدمه

شهر آبادان در جنوب غربی ایران و در جنوب استان خوزستان واقع شده است. آبادان تا سال ۱۳۳۵ با ۲۹۴ هزار نفر، پرجمعیت‌ترین شهر استان خوزستان بود ولی عواملی از قبیل جنگ و مهاجرت‌های اجباری مردم این منطقه در دهه‌های بعد، باعث کاهش جمعیت آن شد. در حال حاضر آبادان حدود ۲۱۳ هزار نفر جمعیت دارد که می‌توان غالب آن‌ها را گویش‌وران لهجه آبادانی دانست. هرچند این لهجه در شهرهای اطراف مانند ماهشهر، اهواز، بندرامام خمینی، خرمشهر و امیدیه نیز تکلم می‌شود.

این لهجه در دهه نخست قرن بیستم میلادی در آبادان مرسوم شد. پیدایش این شیوه تکلم، ریشه در آغاز فعالیت‌های وابسته به صنعت نفت داشت که منجر به مهاجرت اقوام گوناگون از جمله انگلیسی‌ها، هندی‌ها، رانگونی‌ها و بوشهری‌ها به این منطقه شد. اقوام انگلیسی و هندی که زبان غیر فارسی داشتند واژگان زبان خود و اقوام ایرانی دیگر لهجه و آهنگ کلام خود را به زبان این منطقه وارد کردند. اغلب مهاجران ایرانی از استان‌های بوشهر، فارس و چهارمحال بختیاری بودند. لهجه امروزی آبادان، از لحاظ آهنگ کلام به لهجه بوشهری متمایل است و سبک بیانی آن شبیه به لهجه گویش‌وران شیرازی و کازرونی است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، لهجه آبادانی میزبان خوبی برای وام‌واژه‌های انگلیسی و هندی بوده است، به‌طوری‌که این وام‌واژه‌ها به وضوح در گفتار مردم این شهر رخنه کرده است. به عنوان مثال کم‌تر کسی در آبادان "لباس ایمنی" را به صورت معیار ادا می‌کند و غالباً از واژه "بیلرسوت" که برگرفته از واژه "boiler suit" است، استفاده می‌کنند. واژه "کوچه" نیز کاملاً توسط واژه "لین" که برگرفته از واژه هندی "lane" می‌باشد، جایگزین شده است. به طور کلی غیر از مبحث وام‌واژگان و گرایش به تبدیل واژه‌ای، لهجه آبادانی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای با فارسی معیار ندارد. متأسفانه با وجود معرفیت و محبوبیت این لهجه در میان لهجه‌های زبان فارسی، خلاء وجود مطالعات تخصصی با تکیه بر رویکردهای زبان‌شناختی در حوزه این لهجه کاملاً مشهود است. از آنجایی که این مقاله در راستای یکی از اهداف مهم دانش زبان‌شناسی یعنی بررسی و مطالعه زبان‌های بومی جهت تکمیل و غنای گنجینه پیکره جهانی می‌باشد، امید است که این پژوهش راهگشای مطالعات زبان‌شناختی از این دست در حوزه لهجه آبادانی و دیگر لهجه‌های ارزشمند زبان فارسی که کم‌تر به آن‌ها پرداخته شده است، باشد.

پس از این مقدمه کوتاه در مورد لهجه آبادانی، در ادامه به شرح چگونگی انجام پژوهش پرداخته شده است. بخش دوم این مقاله به پیشینه مطالعات انجام شده پرداخته است. در بخش سوم مبانی نظری مطالعه حاضر یعنی نظریه بهینگی* به همراه فرایند واجی همگونی* که نقش تعیین‌کننده‌ای در این مطالعه دارد،

بررسی تبدیل واکه /e/ به /i/ بر اثر همگونی پسرو با واکه /i/ و ... ۱۰۵

توضیح داده شده است. در بخش چهارم داده های جمع آوری شده از گویشوران بررسی شده و رخداد یا عدم رخداد همگونی در واکه /e/ به /i/ در نتیجه همگونی پسرو با واکه ی پیشین /i/ و تبدیل /e/ به /u/ در اثر همگونی پسرو با واکه پسین /u/، در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ در این لهجه با استفاده از تابلوهای بهینگی تبیین شده و یافته‌ها مورد بحث قرار گرفته‌اند. در بخش پنجم این پژوهش نیز که شامل نتیجه‌گیری است از یافته‌ها برای پاسخ به پرسش‌ها و تایید یا رد فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است.

۲. پرسش‌های پژوهش

الف) آیا در لهجه آبادانی، واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ در اثر همگونی پسرو با واکه پیشین بعد از خود همواره به /i/ تبدیل می‌شود؟
ب) آیا در لهجه آبادانی، واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ در اثر همگونی پسرو با واکه پسین بعد از خود همواره به /u/ تبدیل می‌شود؟

۲. ۱. فرضیه‌های پژوهش

الف) تبدیل واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ به /i/ مشروط به مشخصه‌های آوایی همخوان بعد از واکه /e/ می‌باشد.
ب) تبدیل واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ به /u/ مشروط به مشخصه‌های آوایی همخوان بعد از واکه /e/ می‌باشد.

۳. پیشینه تحقیق

در این بخش به بررسی مطالعات انجام شده در این راستا پرداخته شده است. بدیهی است که در انجام هر مطالعه‌ای، بررسی یافته‌ها و شیوه‌های انجام پژوهش‌های پیشین نه تنها پژوهشگر را در تبیین خلاءهای موجود در انتخاب مسیر پژوهش یاری می‌کنند، بلکه در یافتن پاسخ به مسئله پژوهش نیز راهگشا هستند. همان‌گونه که ذکر شد در زمینه لهجه آبادانی، مطالعه زبانشناختی خاصی در پیشینه مطالعات زبانشناختی یافت نشد. لذا در این بخش به چند نمونه از مطالعاتی که در چارچوب نظریه بهینگی، به بررسی تغییرات واج‌شناختی پرداخته‌اند، اشاره شده است.

بدخشان و زمانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی (گوش کله‌ری)"، با روشی توصیفی تحلیلی و رویکردی هم‌زمانی به توصیف و تحلیل فرایند حذف در زبان کردی

و مشخصاً در گویش کلهری در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زبان کردی از زبان‌هایی است که به هنگام التقای واکه‌ها، در نقطه تماس پسوند و ریشه واژگانی، از فرایند حذف استفاده می‌کند. نگارندگان با سازوکار دیگری که محدودیت‌های بهینگی بر آن ناظر است نشان می‌دهند که همیشه گزینه حذف در این شرایط، گزینه بهینه نیست و تنها در شرایطی رخ می‌دهد که امکان گزینه غلت‌سازی وجود نداشته باشد.

جم و ذلقی (۱۳۹۲) به بررسی تبدیل واکه /u/ به [i] در گویش لری سیلاخوری در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته‌اند. این پژوهش با گردآوری میدانی داده‌ها و تجزیه و تحلیل توصیفی آن‌ها، به دنبال یافتن محدودیت‌هایی است که مانع از رخداد این تغییر می‌شوند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که بافت پس از واکه /u/ تعیین‌کننده رخداد یا عدم رخداد این تبدیل است و بافت پیش از این واکه هیچ نقشی در این میان ندارد.

جم و تیموری (۱۳۹۳) تبدیل واکه /a/ به واکه [a:] یا [o] در لهجه فردوس در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته‌اند. نگارندگان با بررسی دقیق لهجه‌های مختلف شهر فردوس به این نتیجه رسیده‌اند که این تبدیل در در هجای اول واژه‌های دوهجایی و هجای دوم واژه‌های سه‌هجایی رخ می‌دهد اما در هجای آخر واژه‌ها رخ نمی‌دهد. طبق یافته‌های این پژوهش، دلیل رخداد این تبدیل، محدودیت نشان‌داری /a/* و علت عدم رخداد آن در هجای آخر واژه‌ها، تسلط محدودیت پایایی ضد این تبدیل بر محدودیت نشان‌داری فوق است. همچنین در این مقاله به بررسی این تبدیل در بافت پیش از همخوان‌های خیشومی نیز پرداخته است.

کرد زعفرانلو، آقاگل‌زاده، گلفام و جم (۲۰۰۹)، به بررسی فرایند ناهمگونی در فارسی و چند لهجه و گویش دیگر فارسی در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته‌اند. در این مقاله استدلال می‌شود که نظریه بهینگی بر رویکردهای اشتقاقی برتری دارد. این استدلال مبتنی بر یکی از مواردی است که در آن هر دو فرایند همگونی و ناهمگونی به شیوه‌ای رخ می‌دهد که مشخص نیست کدام یک زمینه‌چین دیگری بوده است.

جم (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی فرایند تضعیف در چند گویش کویری در چهارچوب نظریه بهینگی"، تضعیف واح‌های /d/، /t/، /p/ و /g/ و تبدیل آن‌ها به آواهای [j]، [d]، [b]، [x] در گویش سبزوار و تضعیف همخوان‌های لبی /b/، /v/، /f/ و تبدیل آن‌ها به [w] در گویش‌هایی چون تربت حیدریه، سیستانی، زابلی، قاینی، بیرجندی و بسیاری از گویش‌های غیرکویری در چارچوب نظریه بهینگی پرداخته است. نگارنده با اذعان به اینکه تبیین دقیق فرایند تضعیف برای نظریه‌های قاعده‌بنیاد که صورت-

گرای محض هستند چالش برانگیز است، با توسل به واج‌شناسی نقش‌گرا و در چارچوب نظریه محدودیت بنیاد بهینگی به تبیین این فرایند پرداخته است.

۴. مبانی نظری پژوهش

این پژوهش فرایند همگونی پسروی واکه /e/ در توالی /be/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ را در چارچوب نظریه بهینگی بررسی کرده است. داده‌ها نیز از لهجه آبادانی که عمدتاً در جنوب استان خوزستان تکلم می‌شود، جمع‌آوری شده‌اند. نظریه بهینگی رویکردی جامع است که نخستین بار توسط پرینس و اسمولنسکی در سال ۱۹۹۱ در مقاله‌ای در همایش واج‌شناسی دانشگاه آریزونا مطرح و با انتشار کتاب "نظریه بهینگی: تعامل محدود در دستور زایشی" در سال ۱۹۹۳ رسماً معرفی و شناخته شد. دستورالعمل‌های این رویکرد نه تنها در واج‌شناسی بلکه در دیگر زمینه‌های مطالعات زبان‌شناختی از قبیل نحو، واژه‌شناسی و معناشناسی نیز به کار بسته می‌شوند. در این نظریه محدودیت بنیاد، آنچه یک درونداد* را به یک برونداد[†] تبدیل می‌کند، گروهی از محدودیت‌ها هستند. "درونداد" در این انگاره معادل "بازنمایی واجی یا زیرساختی"، و "درونداد" معادل "بازنمایی آوایی یا روساختی" در واج‌شناسی قاعده بنیاد و اصل و پارامتر بنیاد است. سازوکار این انگاره به نحوی است که ابتدا درونداد به بخشی به نام مولد[‡] فرستاده می‌شود. مولد یک رابطه ریاضی یک به چند است (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۸: ۳۵) که درونداد را به صورت چند گزینه[§] از بروندادهای محتمل پردازش می‌کند. در تولید گزینه‌های ممکن، محدودیتی برای مولد وجود ندارد. اما تنها یک گزینه می‌تواند برونداد واقعی باشد و بقیه گزینه‌ها حذف می‌شوند. طبق رابطه‌ای که مک کارتی مطرح کرده است (مک کارتی، ۲۰۰۲: ۱۰)، این وظیفه ارزیاب** است که گزینه بهینه را به عنوان برونداد تشخیص داده و معرفی کند.

برونداد → ارزیاب → گزینه‌ها → مولد → درونداد

شکل ۱-۳ نمودار جعبه‌ای انگاره واج‌شناسی بهینگی

ارزیاب یک تابع ریاضی چند به یک است (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۸: ۳۷)، که با استفاده از محدودیت‌های پایایی^{††} و نشاننداری^{‡‡} بهترین گزینه‌ای که مولد تولید کرده است را به عنوان برونداد بهینه برمی‌گزیند.

* - Input

† - Output

‡ - Generator

§ - Candidate

** - Evaluator

†† - Faithfulness

‡‡ - Markedness

برای این منظور محدودیت‌ها از مهم‌ترین به کم‌اهمیت‌ترین در نظر گرفته می‌شوند یعنی محدودیت مهم تر در مرتبه اول قرار می‌گیرد و بقیه محدودیت‌ها نیز با توجه به درجه اهمیتشان مرتب می‌شوند. ارزیاب از اولین و مهم‌ترین محدودیت آغاز می‌کند. نکته حائز اهمیت این است که تخطی از محدودیتی که رتبه بالاتری دارد، جریمه بیشتری نیز در پی خواهد داشت. ارزیاب با پردازش مرحله به مرحله گزینه‌ها و میزان تخطی آن‌ها از محدودیت‌ها، گزینه‌ای را به عنوان گزینه بهینه معرفی می‌کند که کم‌ترین تخلف را از گزینه‌های مرتب‌شده داشته باشد. محدودیت‌هایی که ارزیاب توسط آن‌ها دست به انتخاب می‌زند جهانی هستند اما ترتیب اعمال این محدودیت‌ها از زبانی به زبان دیگر متفاوت است.

همگونی نیز فرایندی واجی است که طی آن یک آوا تحت تأثیر آوای دیگر و به دلیل وقوع در محیط آوایی مناسب، مشخصه‌های آوایی اش دستخوش تغییر می‌شوند و به آوای دیگری تبدیل می‌گردد. مشخصه‌های آوایی جدید برگرفته از آوای مجاور و یا واقع در محیط آوایی آوای مورد نظر می‌باشد. همگونی انواع مختلفی دارد. در صورتی که آوای مورد نظر تحت تأثیر آوای قبل از خود تغییر کند همگونی از نوع پیشرو و چنانچه از مشخصه‌های آوای پس از خود تأثیر پذیرد، همگونی از نوع پسرو می‌باشد. اگر آوای مورد نظر کاملاً به آوای تأثیرگذار تبدیل شود همگونی کامل* و اگر تنها بخشی از مشخصه‌های آن را بگیرد همگونی از نوع ناقص[†] خواهد بود (بکویچ، ۲۰۱۴: ۳۳۵). در مواردی که دو آوا در همسایگی هم باشند همگونی نزدیک[‡] و در مواقعی که آوا یا آوایی میان آن‌ها واقع باشند، همگونی از نوع دور[§] خواهد بود. بنابراین جهت همگونی و فاصله و میزان شباهت آواها در تعیین نوع همگونی نقش بسزا دارد.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش پیش از پرداختن به داده‌ها مختصراً به روش انجام پژوهش اشاره شده و در ادامه به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

۵.۱. جمع‌آوری داده‌ها

برای گزینش داده‌های موردنظر این پژوهش، چند نکته حائز اهمیت بوده است. از پیکره جمع‌آوری شده از گویشوران لهجه آبادانی، افعال امری و افعال مضارع مبتدا به /be/، نمونه‌های کانونی این مطالعه هستند. این افعال نیز به نوبه خود با توجه به ساختار واجی، به دو گروه تقسیم شده‌اند. در گروه اول، اولین

* - Total

† - Partial

‡ - Local

§ - Long-distance

۱۰۹ بررسی تبدیل واکه /e/ به /i/ بر اثر همگونی پسرو با واکه /i/ و ...

واکه پس از توالی /be/ آغازین، واکه‌ای پیشین است. در گروه دوم، اولین واکه پس از توالی /be/ آغازین، واکه‌ای پسین است.

۲. ۵ شرکت کنندگان

از آنجایی که این پژوهش قصد دارد داده‌هایی از پیکره یک لهجه بومی را بررسی کند و با توجه به اینکه افراد مسن‌تر، شواهد بهتری از نمایش پارامترهای موجود در یک لهجه بومی را دارند، از گفتار افراد در محدوده سنی تقریبی بالای چهل سال استفاده شده است.

۳. ۵ روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری از طریق ضبط نامحسوس گفتار روزمره افراد توسط دستگاه تلفن همراه صورت گرفته است. پس از بازنویسی داده‌های ضبط‌شده، داده‌های کانونی این پژوهش یعنی افعال امری و افعال مضارع مبتدا به /be/ از دیگر داده‌ها مجزا شده و به دو گروه یادشده تقسیم‌بندی شده‌اند. جهت تحلیل داده‌ها هر کدام از این دو گروه به صورت جداگانه بررسی شده است. در ادامه به تحلیل داده‌ها در قالب دو گروه پرداخته شده است.

۴. ۵ واکه /e/ در بافت پیش از واکه پیشین

در این گروه افعال امری و مبتدا به /be/ قرار می‌گیرند که واکه /e/ در اثر همگونی با واکه پیشین به کار رفته در هجای همسایه، پیشین شده و در اثر فرایند پیشین‌شدگی به /i/ تبدیل می‌شود. در زیر مثال‌هایی از فرایند پیشین‌شدگی در اثر همگونی پسرو دور کامل در این افعال آورده شده است.

/beriz/ → /biriz/

/benevis/ → /binvis/

/begire/ → /bigire/

فرایند انتخاب برونداد بهینه بر اساس محدودیت‌های پایایی و نشاننداری توسط ارزیاب، در تابلوی زیر شرح داده شده است.

تابلوی شماره (۱) AGREE(place) >> IDENT(place)

Input: /beshin/	AGREE(place)	IDENT(place)
[beshin]	*	
بش [bishin]		*

در این فرایند، گزینه اول [beshin]، از محدودیت مرتبه بالاتر نشاننداری (AGREE(place) تخطی کرده و در نتیجه گزینه دوم [bishin]، با وجود تخطی از محدودیت پایایی (IDENT(place) با مرتبه اهمیت کم‌تر، برونداد بهینه می‌شود.

۵. ۴. ۱. بافت پیش از همخوان /m/

نمونه‌های جمع‌آوری شده نشان داده‌اند که فرایند پیشین‌شدگی در بافتی که پس از همخوان /e/ در /be/ افعال امری و مضارع مبتدا به /be/، همخوان دو لبی /m/ واقع شود رخ نمی‌دهد. در زیر علت عدم این رخداد بوسیله تابلوی بهینگی شرح داده شده است. تسلط محدودیتی با مرتبه بالاتر نسبت به محدودیت‌های اشاره شده در تابلوهای بالا دلیل این عدم رخداد می‌باشد.

تابلوی شماره (۲) CODA IDENT >> AGREE(place) >> IDENT(place) [place]bilabial nasal

Input:	CODA IDENT [place]bilabial nasal	AGREE(place)	IDENT(place)
/bemir/			
بمیر [bemir]		*	
[bimir]	*		

۵. ۵. واکه /e/ در بافت پیش از واکه پسین

در این گروه افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ قرار می‌گیرند که در آن‌ها واکه /e/ بر اثر همگونی با هجای همسایه پسین شده و تبدیل به /u/ می‌گردد. نمونه‌هایی از این فرایند پسین‌شدگی در زیر آمده است.

/bemune/ → /bumune/

/bebuse/ → /bubuse/

/berun/ → /burun/

در این گروه نیز فرایند انتخاب برونداد بهینه، مانند گروه پیش است.

تابلوی شماره (۳) AGREE(place) >> IDENT(place)

Input: /begu/	AGREE(place)	IDENT(place)
[begu]	*	
بگ [begu]		*

بررسی تبدیل واکه /e/ به /i/ بر اثر همگونی پسرو با واکه /i/ و ... ۱۱۱

در اینجا نیز تخلف از محدودیت مرتبه بالاتر نشان‌داری، منجر به انتخاب گزینه [bugu] به عنوان گزینه بهینه شده است.

۱.۵.۵. بافت پیش از همخوان‌های دندانی

البته این فرایند در تمامی بافت‌ها اتفاق نمی‌افتد. بدین معنا که با وجود امکان همگونی در واج‌های همسایه مانند آنچه در بافت‌های یادشده اتفاق افتاد، فرایند پسین‌شدگی رخ نمی‌دهد. این بافت، بافت پیش از همخوان‌های دندانی است که در زیر علت عدم رخداد فرایند پسین‌شدگی با استفاده از تابلوهای بهینگی شرح داده شده است.

تابلوی شماره (۴) >> AGREE(place) >> IDENT(place) CODA IDENT [place]dental

Input:	CODA IDENT	AGREE(place)	IDENT(place)
/bedun/	[place]dental		
[bedun]		*	
[budun]	*		

تابلوی شماره (۵) >> AGREE(place) >> IDENT(place) CODA IDENT [place]dental

Input:	CODA IDENT	AGREE(place)	IDENT(place)
/betun/	[place]dental		
[betun]		*	
[butun]	*		

شایان ذکر است که این فرایند در لهجه شیرازی رخ می‌دهد و همخوان‌های دندانی مانعی برای رخداد این فرایند در لهجه شیرازی به شمار نمی‌روند.

۶. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه این مطالعه آمد، در لهجه آبادانی طی فرایند همگونی، واکه /e/ در /be/ افعال امری و مضارع مبتدا به /be/، بسته به اولین واکه موجود در هجای همسایه، تحت فرایند پیشین‌شدگی یا پسین‌شدگی قرار می‌گیرد. در بافت‌های ویژه‌ای نیز این فرایند رخ نمی‌دهد. در این بخش به پرسش‌های پژوهش پرداخته و پاسخ آن‌ها را با توجه به نمونه‌های تحلیل‌شده در بخش پیشین یافته‌ایم.

۶.۱. پرسش‌های پژوهش

الف) آیا در لهجه آبادانی، واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ در اثر همگونی پسرو با واکه پیشین بعد از خود همواره به /i/ تبدیل می‌شود؟
 ب) آیا در لهجه آبادانی، واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ در اثر همگونی پسرو با واکه پسین بعد از خود همواره به /u/ تبدیل می‌شود؟
 طبق یافته‌های مشاهده شده در بخش پیش پاسخ سؤال اول و دوم منفی است زیرا این رخداد همواره اتفاق نمی‌افتد و در بافت‌های خاصی متوقف می‌گردد.
 در این جا به فرضیه‌های پژوهش پرداخته و آن‌ها را ارزیابی کرده ایم.

۶.۲. فرضیه‌های پژوهش

الف) تبدیل واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ به /i/ مشروط به مشخصه‌های آوایی همخوان بعد از واکه /e/ می‌باشد.
 ب) تبدیل واکه /e/ پس از همخوان /b/ در افعال امری و مضارع مبتدا به /be/ به /u/ مشروط به مشخصه‌های آوایی همخوان بعد از واکه /e/ می‌باشد.
 عدم رخداد این فرایندها نشان‌دهنده این بود که همخوان پس از واکه /e/ در رخداد یا عدم رخداد فرایند همگونی نقش دارد. بنابراین هر دو فرضیه فوق تأیید می‌شوند.

کتاب‌نامه

- بدخشان، ابراهیم و زمانی، محمد (۱۳۹۲)، "تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی (گویش کلهری)"، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، ص ۳۰-۱۹.
- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۸)، "واحد شناسی نظریه بهینگی"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران

- جم، بشیر (۱۳۸۹)، "بررسی فرایند تضعیف در چند گویش کویری در چهارچوب نظریه بهیگی"، اولین همایش بین المللی گویش های مناطق کویری ایران، ص ۷۴۰-۷۲۷.
- جم، بشیر و ذلقی، احمد (۱۳۹۲)، "بررسی تبدیل واکه /u/ به [i] در گویش لری سیلاخوری در چارچوب نظریه بهیگی"، پژوهش های زبانی، دوره ۴، شماره ۲، ص ۴۰-۲۱.
- جم، بشیر و تیموری، مرضیه (۱۳۹۳)، "تبدیل واکه /a/ به واکه [a:] یا [o] در لهجه فردوس در چارچوب نظریه بهیگی"، زبانشناسی و گویش های خراسان، سال ششم، شماره ۱۰، ص ۹۷-۱۲۰.
- Bacovic, E. (2014), "Local Assimilation and Constraint Interaction"
- McCarthy, J. (2002), "A Thematic Guide to Optimality Theory", Cambridge University Press, New York